کنفرانس:

مشکلات دولت/ملت-سازی در کشور
و راه های حل آن

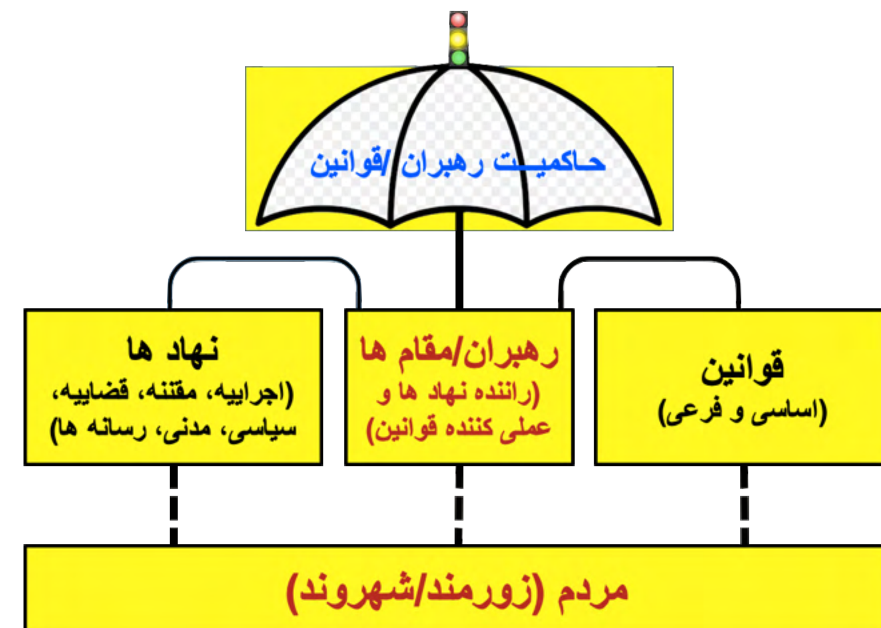
Macro-Technical Analysis

پروفیسور دکتور لعل زاد

میزبان: کانون پاسداران فرهنگ تاجیک

آرنیم، هالند

۲۲ دسمبر ۲۰۱۹





فهرست

* پیشگفتار (مفاهیم، مقولات و اصطلاحات)

* نگاهی گذرا به وضع دولت/ملت سازی در کشور (پیشینه مرض)

* مشکلات اساسی (تشخیص مرض)

* راه های حل (درمان مرض)

* نتیجه گیری (نسخه نهایی)

* سرچشمه ها



پیشگفتار

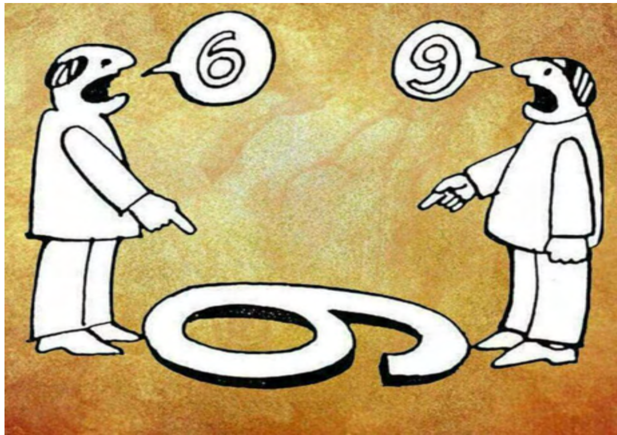
(مفاهیم، مقولات و اصطلاحات)

نبود برداشت یکسان از واژه ها



بازی با کلمات یا جنگ بر سر واژه ها





* زبان گفتگو (داستان مولانا در باره انگور و عنب و اوزوم)؛

* سیر تاریخی واژه ها (تغییر مفهوم در جریان زمان و علوم مختلف)؛

* زاویه دید (تغییر مفهوم نظر به موقعیت/مکان)؛

* معیارهای ارزیابی (تخنیکی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و...)؛

* شیوه پژوهش یا برخورد (احساساتی، عقلانی، علمی، مذهبی و...)؛

* اهداف و انگیزه (منافع شخصی، سیاسی، قومی، علمی و...)؛

* نظریات متفاوت یا نبود توافق عمومی (به ویژه در علوم اجتماعی)؛

آنچه مهم است، «ماهیت ذاتی» یا «ارزش واقعی» اشیا و پدیده هاست، نه «نام» و «شکل» آنها

* **هویت:** ویژگی/ارزش های که افراد بر حسب آن خود را معرفی می کنند یا متمایز می سازند (هویت می تواند اصلی، جعلی، طبیعی، کسبی، انتخابی، تحمیلی وغیره باشد: مانند هویت کشوری/ملی، قومی، زبانی، مذهبی، جنسیتی، مسلکی وغیره). کدام یک مهم است؟

* **طایفه/قبیله:** گروهی از مردم که با هم قرابت/خویشاوندی دارند (مهم این است که چند نسل/سال به عقب می رویم. زیرا تمام انسان ها شاخه های یک درخت اند و نیای واحد دارند؛ تعداد نیا ها در ۳۰/۲۰/۱۰ نسل، بیش از هزار/ ملیون/بلیون می شود... و این دلیل مشابهت ۹۹.۹٪ ژنتیکی انسان ها است)!

* **قوم/تبار:** گروهی از مردم که با هم مشترکات زبانی و فرهنگی دارند.

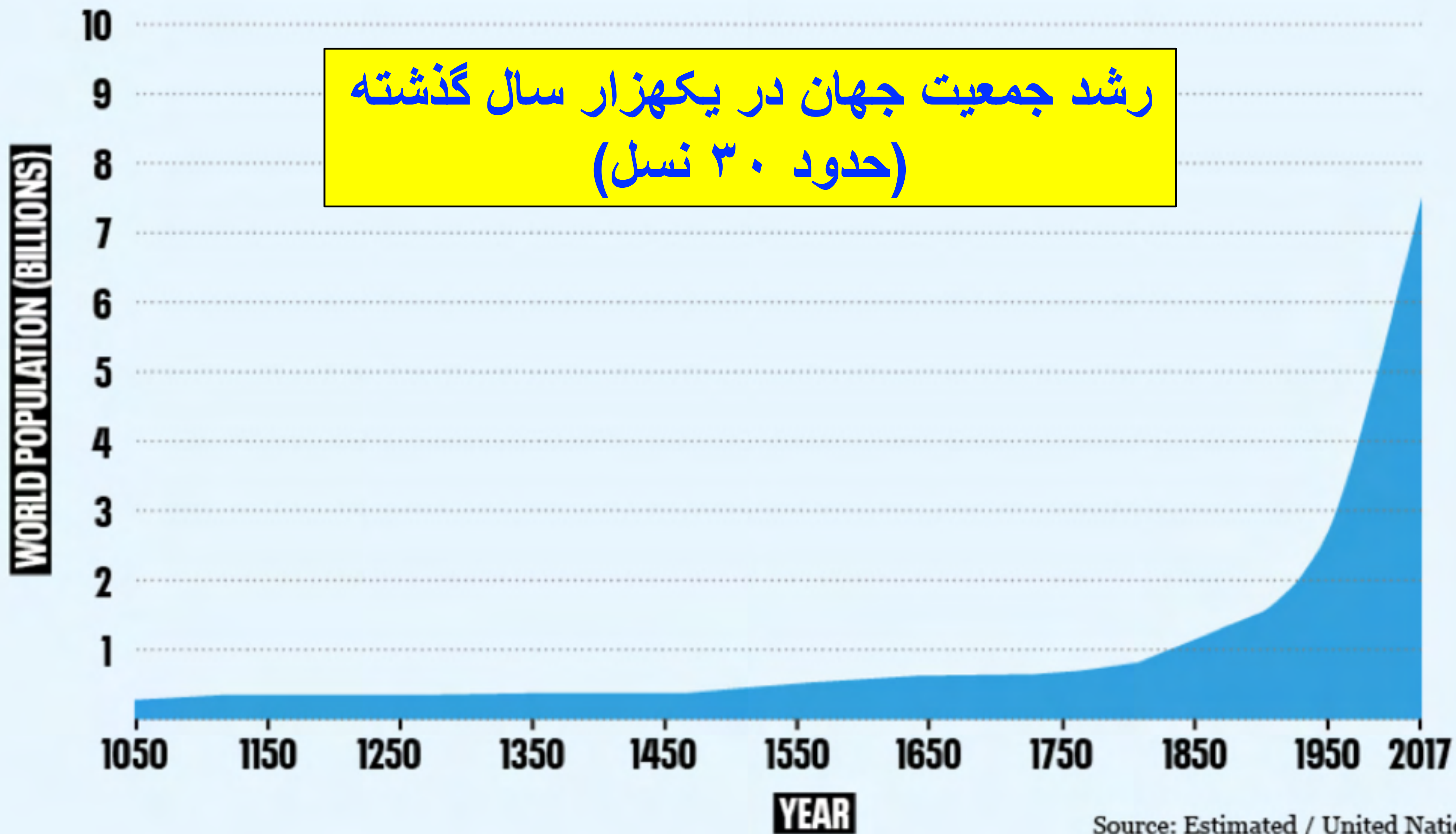
* **نژاد:** گروهی از مردم که بر بنیاد ویژگی های رنگ پوست و چهره متمایز می شوند (اما این تمایز بنیاد علمی نداشته و محصول شرایطی محیطی-اقلیمی است، نه نشانهِ «گونه» های متفاوت):

* تمام یافته های علمی (**فوسیل شناسی و ژنتیک**) نشان می دهد که «**انسان های امروزی نیای واحد و منشای افریقایی ۳۰۰ هزار ساله» دارند** (حتی تمام موجودات زنده منشای واحد دارند)!

گفتار البیرونی (آثارالباقیه) در مورد «نژاد» و «قوم» (۱۰۰۰ سال پیش)

می گویند که اگر همه افراد بشر یک پدر داشتند، **اشکال** و **زبان** همه یکی بود!

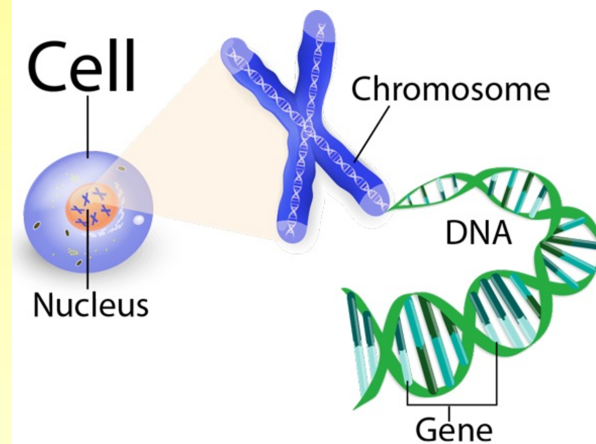
من این استدلال را نمی فهمم، زیرا **اختلاف اجسام بشر** در **رنگ ها و چهره ها** و طبایع و اخلاق تنها معلول **اختلاف نسب** نیست، بلکه **اختلاف اقالیم و اهویه** در آن مدخلیت دارد و **اختلاف لغات** از اینجا پیش آمد که بشر به **اقوامی و فرقه های** تقسیم شده و از هم **دور** افتادند و هر قومی برای رفع نیازمندی های خود به **وضع لغاتی** نیازمند گشتند که مقاصد آنان را برساند و چون زمان طول کشید این گونه عبارات رو به فزونی گذاشت و در یاد ها بماند و از ترکیب آنها نیز مواضعاتی پیدا شد و تحت نظم و قاعده ای قرار گرفت...



رشد جمعیت جهان در یکهزار سال گذشته
(حدود ۳۰ نسل)
10
9
8
7
6
5
4
3
2
1
WORLD POPULATION (BILLIONS)
1050
1150
1250
1350
1450
1550
1650
1750
1850
1950
2017
YEAR
Source: Estimated / United Nations

Conifers
Dicots
Palms
Ferns
Horn Worts
Bananas
Grasses
Yeasts
Mushrooms
Sponges
Jelly Fish
Millipedes
Flies
Moths
Crustaceans
Squid
Snails
Green Algae
Bacteroides
Planctomyces
Thermotoga
Cyanobacteria (Chloropasts)
Spirochetes
Gram Positives
Green Filamentous
Proteobacteria
Rickettsiae (Mitochondria)
Aquiflex
Horses
Cows
Whales
Dogs
Humans
Monkeys
Chimpanzees
Rodents
Marsupials
Starfish
Sharks
Lampreys
Tuna
Carp
Amphibians
Lizards
Snakes
Iguanas
Crocodiles
Pigeons
Ducks
Chickens

Bacteria
Contain Mitochondria
Contain Chloropasts



سلول موجودات زنده

درخت زندگی (نَسَب نامه موجودات زنده)

واحد اندازه گیری ملیون ها سال است

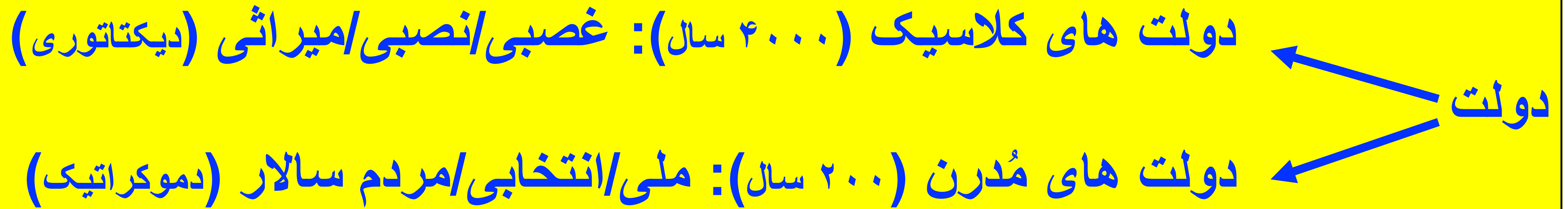
منشای افریقایی انسان های امروزی



Y-DNA Human Migration (Haplogroups)
Thousands of Years Ago

A	60	I	25	O	35
B	50	J1	25	O3	10
CR	50	J2	20	P	35
D	50	G	20	Q	20
C	50	H	30	Q3	10
E	50	K	40	R1	30
E3a	20	L	30	R1a	10
E3b	30	M	10	R1b	25
F	45	N	10		

FamilyTreeDNA



* **دولت های کلاسیک:** گذار از **ملوک الطوایفی** به **امپراتوری/شاهنشاهی** ها:

* «نهاد» های سیاسی برای حفظ منافع طبقات حاکم (یا وسیلهِ برای سرکوب طبقات محکوم)؛

* «قلمرو» های وسیع و اکثرا بدون نام واحد (دارای ساختار «**فدرال** یا **غیرمتمرکز**»)؛

* «مردم» مطیع یا «**رعیت باج گزار**» («غارت/جزیه»، «**سکه**» و «**خطبه**»)؛

* زمین های غیر مسکونی و غیرمزروعی (و منابع آن) «ملکیت خدا یا بی ارزش» بود؛

* «**سرحدات**» باز (موانع طبیعی مانند کوهها، دریا ها و دشت ها یا مناطق بی صاحب یا حایل)؛

* قانون: «**دو لب زمامدار**» یا تحمیل خواست ها و تمایلات حاکمان از طریق زور و فرمان)؛

1867

الاسکا

5 $/km^2$

نقش دولت در بدن، مثل سَر است «ماهی از سَر گنده گردد، نی ز دُم»

ایجاد مفهوم «دولت های مستقل» در اروپا در سده ۱۷



The Peace of Westphalia, 1648, recognized the new boundaries of European states that included an independent Portugal and United Netherlands. It also recognized the growth of the Ottoman Empire into the Balkans.

* **پیمان وستفالی** شناسایی/حق تساوی دولت ها یا آغاز سیستم مدرن بین المللی (۱۶۴۸)؛

* عدم تعرض/مداخله در امور **«دولت های مستقل»** (حاکمیت بر سرزمین و مردم: جدایی بیش از ۳۰۰ واحد سیاسی از امپراتوری مقدس روم) و آغاز تهاجم اروپاییان به قاره های دیگر.

* سده ۱۸: «**انقلاب صنعتی انگلیس**» (۱۷۶۰)، «**استقلال امریکا**» (۱۷۷۶) و «**انقلاب کبیر فرانسه**» (۱۷۸۹) باعث ایجاد «**اندیشه**» های «**دولت - ملت**» یا «**دولت ملی**» در اروپا گردید: دولت های مستقل دارای شهروندان مساوی الحقوق (Nation-al-State).

* سده ۱۹: ظهور «**جنش های ملی/آزادی خواهی**»، «**مانیفیست حزب کمونیست، ۱۸۴۸**» و ایجاد «**دولت - ملت یا دولت ملی**» یا «**کشور**» های که مردم آن یک «**ملت**» را بسازند: هماهنگی در زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

* سده ۲۰: پذیرش اصل «**حق تعیین سرنوشت ملل**» پس از «**جنگ اول جهانی**»

* ایجاد «**دولت های کوچک قومی - فرهنگی متجانس تر**» پس از «**جنگ دوم جهانی**» که با مفهوم «**دولت - ملت**» هماهنگی بیشتر دارد (**اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸**).

اروپا در ۱۸۱۵ که هنوز با مشخصات دولت - ملت همگونی چندانی ندارد



European boundaries set by the Congress of Vienna, 1815. This map of Europe, outlining borders in 1815, demonstrates that still at the beginning of the 19th century, Europe was divided mostly into empires, kingdoms, and confederations. Hardly any of the entities on the map would meet the criteria of the nation-state.

دولت های مُدرن: ملی/انتخابی/مردم سالار (دموکراتیک)

* **دولت های ملی (دولت - ملت):** نهاد های سیاسی (اجراییه، مقننه، قضاییه) که محصول آرای «**شهروندان**» یک کشور در یک پروسه «**انتخابات**» آزاد/موکراتیک است:

* «**سرزمین**» دارای «**نام**» معین، «**مرز**» های مشخص (بر روی زمین یا نقشه) و نیاز به گذرنامه و روادید (زمین و منابع آن «ملکیت دولت» است)؛

* داشتن «**استقلال/حاکمیت**» یا شناسایی توسط سایر دولت/کشورها؛

* «**نهاد**» های برای ارایه خدمات اساسی برای شهروندان؛

* «**قوانین**» نسبتا عادلانه (**حاکمیت ارزش ها**).

* **شهروندان:** افراد مساوی الحقوق یک کشور (صرفنظر از وابستگی های قومی/مذهبی آنها)؛

* واحد اساسی جامعه در دولت ملی «فرد یا شهروند» است، نه قوم، قبیله وغیره...

ملت (تیوری دولت ـ ملت): در رابطه به «کشور» مطرح می شود

* ملت یک مفهوم انتزاعی (ذهنی/احساسی) است، یعنی افراد یک کشور که (توسط دولت ملی در یک پروسه درازمدت و تامین شرایط مساوی رشد/انکشاف متوازن (صرفنظر از وابستگی های قومی، زبانی و مذهبی آنها) به شهروند تبدیل می شوند (نه بر اساس زور و فرمان)؛

* ملت محصول «دولت ملی» و «جامعه شهروندی» است؛ یعنی شهروندان یک کشور که دارای **مشترکات حقوقی ـ سیاسی** اند (باورهای دموکراتیک یا ارزش های مشترک: قانون اساسی، عدالت اجتماعی، حقوق شهروندی یا «**حاکمیت ارزش ها**»)؛

* اما تعدادی از دانشمندان بر مفهوم عینی «**قومی ـ فرهنگی**» ملت تاکید دارند که بنیاد جنبش های امروزی «**ملی گرایی**» فرهنگی (**خود مختاری**) و سیاسی (**جدا طلبی**) را تشکیل می دهد!

«هویت ملی» یعنی «نماد» های مشترک کشوری (زبان، پول، سرود، پرچم، تذکره و...)

دولت سازی (پروسه های نهاد/قانون/کادر/ملت سازی و...)

نیرو های محرکه جامعه کدام اند؟

* دولت توسط «زورمندان» یا «شهروندان» ساخته می شود (افراد آگاه/فعال):

* شیوه های دیکتاتوری: توسط زورمندان بر بنیاد «زور» و «نیاز حاکمان»؛

* شیوه های دموکراتیک: توسط شهروندان بر بنیاد «عدالت» و «نیاز شهروندان»؛



نهاد ها (اجراییه، مقننه، قضاییه، سیاسی، مدنی، رسانه ها)	رهبران/مقام ها (راننده نهاد ها و عملی کننده قوانین)	قوانین (اساسی و فرعی)

مردم (زورمند/شهروند)

معیارهای ارزیابی؟

نیرو های محرکه جامعه؟

(دیکتاتوری - دموکراتیک)

ملت سازی (پروسه های شهروند سازی و ایجاد وحدت ملی (در بین گروههای قومی/مذهبی))

* **ملت** توسط **دولت** ساخته می شود (مشکلات اساسی در کشورهای «**چند قومی/مذهبی**»):

* **شیوه های میکانیکی** (دولت زورمندان: قوم/آرمان محور): ایجاد «**قوانین غیرعادلانه**»، «**هویت تحمیلی**» و «**حذف دیگران**» بر بنیاد «**خواست حاکمان**» و «**حاکمیت قوانین غیرعادلانه: دو لب زمامدار**»؛

* **شیوه های ارگانیکی** (دولت شهروندان: شهروند محور): ایجاد «**قوانین عادلانه**»، «**هویت ملی**» و «**مشترکات حقوقی- سیاسی همگان**» بر بنیاد «**خواست شهروندان**» و «**حاکمیت قوانین عادلانه**» (اما رشد جنبش های «**ملی گرایی**» سکاتلند، کاتالونیا و تاجیکان پاکستان و تجزیه شوروی (ملت سازی با زور)، مفهوم «**ملت**» در تیوری «**دولت - ملت**» را زیر سوال برده است)!

* **وحدت ملی**: «**اتحاد داوطلبانه**» «**شهروندان**» (افراد مساوی الحقوق) در زیر حاکمیت یک «**دولت ملی**» (که محصول انتخابات آزاد شهروندان باشد).

حق تعیین سرنوشت ملل: هر ملت حق دارد سرنوشت خود را تعیین کند (خود گردانی)!

تیوری های جدید: ملت یک پدیده قومی - فرهنگی بوده و جدا از دولت است

* دولت های چند ملتی: شوروی، بلژیک، هسپانیه، برتانیه و...

* دولت های تک ملتی: جاپان و...

* دولت های بدون ملت: افریقای جنوبی، سنگاپور، تایوان و...

* ملت های بدون دولت: کاتالونیا، باسک، سکاتلند، کیوبک و...

* ملت های چند دولتی: کوریای شمالی و جنوبی و...

* ملت های در چند دولت: سویدی ها (سویدن و فنلند)، ایرلندی ها (ایرلند و برتانیه) و...

* **تجزیه** شوروی، یوگوسلاویا، چکوسلواکیا، حبشه و احتمالا سریلانکا، هند، اندونیزیا، نایجیریا وغیره نشان دهنده «**فروپاشی دولت های چند ملتی**» است؛

* **تجربه** کاتالونیا، باسک، سکاتلند، کیوبک، کردستان، کشمیر، پنجاب وغیره نشان دهنده «**ایجاد ملت های (بدون دولت)**» اند که در آستانه تبدیل به دولت متوقف مانده اند. آنها را می توان «شبه دولت ملی» (**ویژگی های حاکمیت مستقل بر اساس هویت ملی**) نامید!

حق داده نمی شود، بلکه گرفته می شود

* هر موجود زنده بصورت طبیعی (ذاتا و ماهیتا) یک موجود «**شکاری - خوراک جو**» است؛

* او برای زندگی کردن مجبور به «**حرکت، تلاش، مبارزه و مقاومت**» است؛

* صرفنظر از اینکه تمام جنبش/جنگ های بشر رنگ قومی، زبانی، مذهبی، مهاجرتی، تجارتی وغیره داشته؛ ماهیت آنها «**عادلانه**» و یا «**غیرعادلانه**» بوده است:

* تمام جنبش/جنگ های «**حق طلبانه یا برابری خواهانه**» عادلانه اند؛

* تمام جنبش/جنگ های «**قدرت طلبانه یا برتری خواهانه**» غیرعادلانه اند؛

* آزادی، برابری و عدالت اجتماعی «**هزینه**» دارد که در بسا موارد باید پرداخته شود:

* **مبارزه، مقاومت و ایستادگی (تا پای جان)!**

برو قوی شو، اگر خواهی زنده مانی   که در نظام طبیعت، ضعیف پامال است

نگاهی گذرا به وضع دولت-ملت سازی در کشور

(پیشینه مرض)



چگونگی ایجاد کشوری به نام افغانستان

* «**مرز ها**»ی آن عمدتا در زمان امیر عبدالرحمن خان (۱۸۸۰ - ۱۹۰۱) تعیین شده است؛

* این مرز ها توسط «برتانیه و روسیه» ایجاد شده و مردم ما در آن نقشی نداشتند (**کشور مصنوعی/تحمیلی**)؛

* «**استقلال**» آن در زمان امیر امان الله خان (۱۹۱۹ - ۱۹۲۹) حاصل شده است؛

* پیش از عبدالرحمن، کشوری به این نام در تاریخ و به این شکل در جغرافیای جهان وجود ندارد؛

* تمام حاکمان تا ایجاد کشور افغانستان (عبدالرحمن/امان الله) بنام **خانواده/قبیله** (صفاری، سامانی)، **محل/منطقه** (غزنویان، غوریان) و یا **خراسان/ایران** نامیده شده اند (تاریخ منطقه: طوایف مستقل یا امپراتوری/شاهنشاهی ها)!



1815


1828


1855



1898

ظهور مرض (ساختار متمرکز و برتری خواهی قومی - زبانی)

* تا زمان **امیرعبدالرحمن** (۱۸۸۰-۱۹۰۱) چیزی بنام ادارات دولتی، تقسیمات ملکی و یا معارف و مطبوعات وجود ندارد؛ اما او به کمک پول/تسلیحات انگلیس و با زور شمشیر حکومت نموده و یک «**دولت متمرکز**» ایجاد می کند (پیش از آن ساختارها «**فدرال/غیرمتمرکز**» و یا «**ملوک الطوایفی**» بود)!

نخستین ساختار متمرکز

* در زمان **امیرحبیب الله** (۱۹۰۱-۱۹۱۹)، معارف (حبیبیه) و مطبوعات (سراج الاخبار) ایجاد می شود.
محمود طرزی نقش اساسی در روشنگری و ایجاد مفاهیم دولت/ملت «افغانی» داشته و اندیشه های «**زبان افغانی اجداد زبانهاست**» و «**قوم افغان اجداد اقوام آریایی است**» را مطرح می کند!



مقالهٔ مخصوصه

{ مبحث زبان }

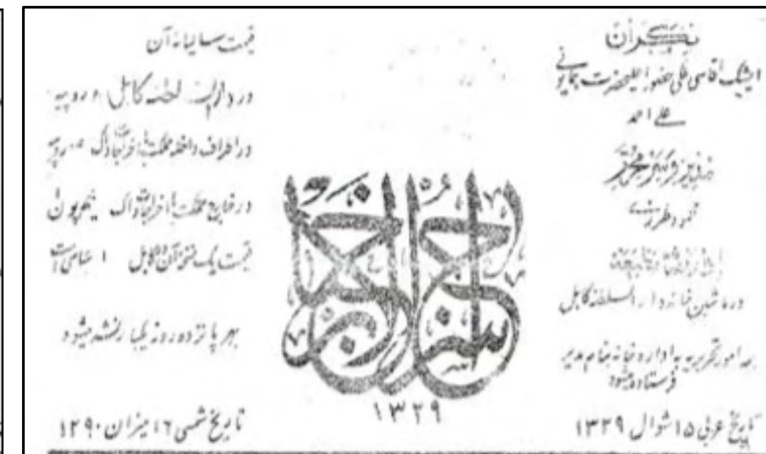
زبان افغانی اجداد زبانهاست

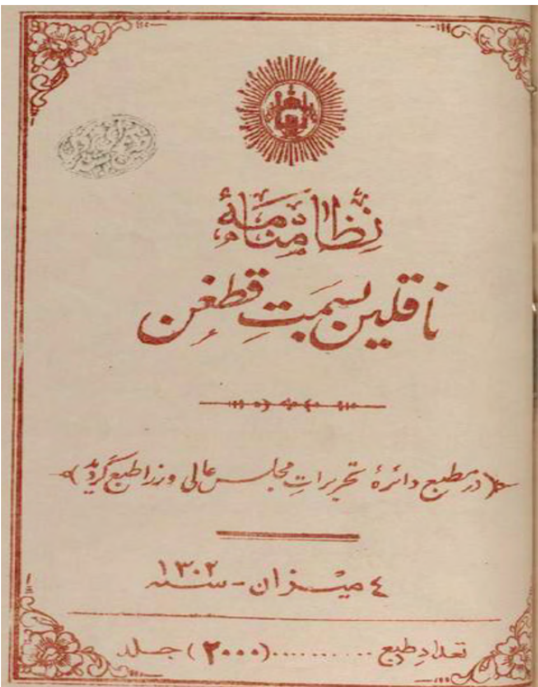
این بیانات مارا بعضی بر تعصب ملتی ما حمل کرده خواهند گفت که « آقای اخبار والای افغانی ، این چنین زبان غلیظ و ثقیل کلفت را که کیفیت مکالمهٔ آن عادتا بصوت سنگهای میان دبه مشابهت میرساند میخواهد که اجداد زبانها ؛ وافغانهای به این گمنامی و کم عددی ، وساده گی ، و کوهستانی و وحشی را میخواهد اجداد یک کتلهٔ عظیمهٔ بشریه برقم بدهد »

سراج الاخبار افغانیه، شماره، ۹، ۳ دلو ۱۲۹۱ ش (۱۹۱۳)

نخستین علایم مرض برتری خواهی قومی – زبانی







* در زمان **امیرامان الله** (۱۹۱۹-۱۹۲۹) ادارات دولتی، تقسیمات ملکی، مطبوعات، معارف، قانون اساسی، محو بردگی و آزادی زنان بوجود آمده و نخستین گام های عملی در جهت اسکان «**ناقلین بسمت قطغن**» و نوشتن «**تاریخ افغانستان**» برداشته می شود؛

* در زمان **نادرشاه** (۱۹۲۹-۱۹۳۳) پروسه «**افغان سازی تاریخ گذشته**» در مقالات «**افغانستان و نگاهی بتاریخ آن**» و «**تاریخچه مختصر افغانستان**» توسط **میرغلام محمد غبار** آغاز می گردد (غزنویان، غوریان و... همه افغان نامیده می شوند)؛

{جریده ستاره افغان (۱۳۰۰) و رساله احمدشاه بابای افغان (۱۳۱۷)}

* با رویکار آمدن **ظاهرشاه** (۱۹۳۳-۱۹۷۳) پروسه **تاریخ سازی**، **اسطوره سازی**، **افغان/پشتون/پشتو سازی** (توسط غبار، کهزاد، حبیبی و...) و محو آثار و نماد های سایر اقوام از طریق ادارات دولتی گسترش می یابد! در راس آنها هاشم خان، نعیم خان و محمد گل مهمند قرار دارند...

تا زمان «امان الله» هیچ کتابی بنام «تاریخ افغانستان» وجود ندارد...

نخستین آثار بنام «تاریخ/تاریخچه افغانستان» در زمان امان الله نوشته شده است...



تمام «تاریخ» های بعدی به دستور دربار/دولت و در محور «قوم افغان» نوشته شده است!

تشدید مرض و ادامه آن تا امروز

صفحهٔ (۳۹) سال اول ـ مجلهٔ کابل شمارهٔ (۲)

بقلم میرغلام محمد (افغانستان ونگاهی بتاریخ آن)

۱۵ سرطان ۱۳۱۰

تاریخچهٔ مختصر افغانستان

نگارش جناب میرغلام محمدخان غبار

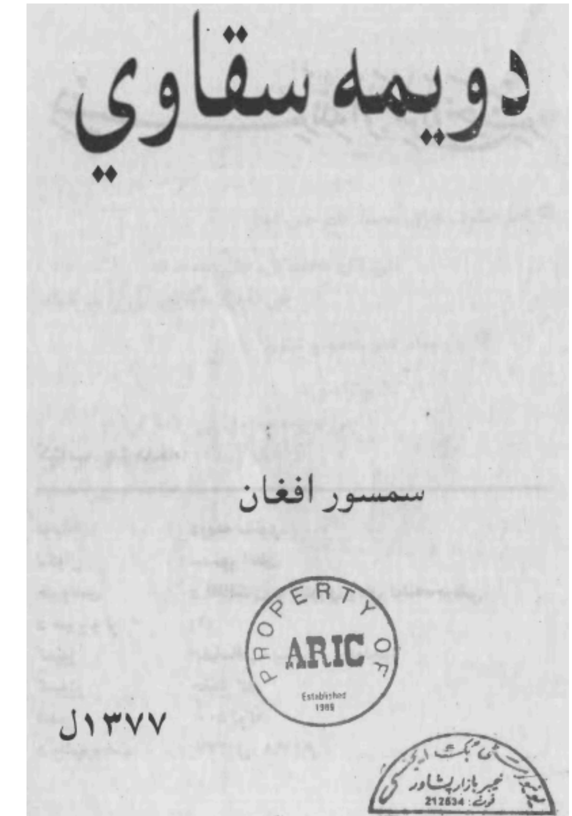
عضو انجمن ادبی کابل

سالنامه کابل ۱۳۱۱

برنامه «دولت/ملت سازی» حاکمان و نخبگان افغان در ۱۰۰ سال گذشته

قوم من ! ای توده والا نژاد — وی نیاکان غیورت مردو راد
باتو دارم گفتگوی محرمی — تا ز اسرار حیات اگاه شوی
بشنوای پشتون باصدق وصفا — حافظ کهسار و قلب اسیا
گربزرگی خواهی و ازادگی — یا چو اسلاف غیورت زندگی
اولا پشتو لسانت زنده ساز — هم بر این شالوده کاخت برفراز
تاتوانی تکیه بر شمشیر کن — قصر ملت را بر ان تعمیرکن

(عبدالحی حبیبی مدیر طلوع افغان ، میزان سال ۱۳۱۷ ش)



ایجاد یک «دولت قوی مرکزی» با «ساختار متمرکز» («تمرکز قدرت در دست یک فرد») فرق دارد!

این پروسه با ایجاد طالبان و روی کار آمدن کرزی – احمدزی به اوج خود می رسد!

مشکلات اساسی

(تشخیص مرض)



مرض اصلی: تلاش برای ایجاد یک دولت تکقومی در یک کشور چند قومی

🔴 **حاکمان فاشیست/غیرپاسخگو («اقلیت خاین و اکثریت نادان»):**

* **برتری خواهی قومی - زبانی** (افغان/پشتون)

* **افغان/پشتون/پشتو سازی کشور** (حذف سایر اقوام/دیگران)

* **ادعای ارضی بر نیم خاک پاکستان (دلیل اصلی مداخلات پاکستان!)**

🔴 **قانون (اساسی) غیرعادلانه:**

* **ساختار دولت (تمرکز قدرت، نهاد های غیرمستقل، رهبران غیرپاسخگو):** به بهانه ایجاد یک «دولت قوی مرکزی»، جلوگیری از «مداخلات همسایگان» و ایجاد «وحدت ملی»)؛

* **حقوق/وظایف شهروندان (تبعیض و امتیاز قومی، زبانی، مذهبی):** به بهانه اکثریت و...

هند (و شوروی) طرفدار این تلاش/ایجاد و پاکستان مخالف آن بوده است!

تشخیص یک مرض (مشکل) برابر است با نیم تداوی (راه حل) آن!

راه های حـــــل

(درمان مرض)



«بهترین» موتر، موبایل یا تلویزیون کدام است («معیار» ها چیست)؟







معیارها: قیمت، سرعت، مصرف، ایمنی، راحتی، زیبایی، دوام، اندازه، وزن، رنگ، نیاز/شوق مشتری و...؟

چیزی بنام «بهترین» وجود ندارد، بلکه تابع «معیار» ها و در «مقایسه» با «همتا» های آنهاست!

معیارهای ارزیابی = تخنیکی (سخت افزار + نرم افزار) + اقتصادی (قابلیت خرید) + اجتماعی (قابلیت پذیرش) + زیست محیطی (ایمنی، آلودگی) + فرهنگی + و...

«بهترین» ایزم/نظام کدام است («معیار» های ارزیابی یا «شاخص» ها کدام اند)؟

EU: 10 King/5 Fed

لیبرال دموکراسی

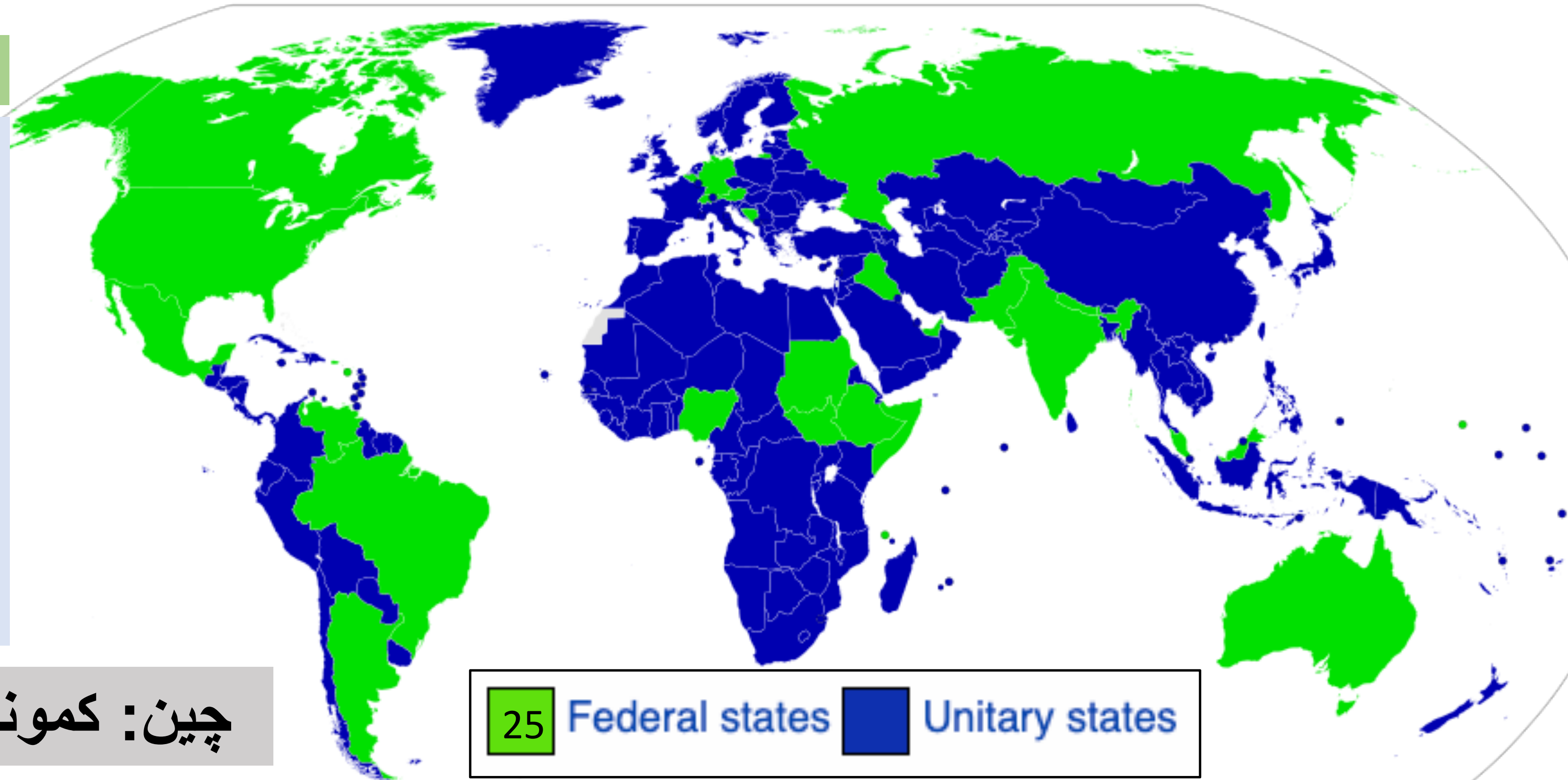
سوسیال دموکراسی

فدرال دموکراسی

بورژوا دموکراسی

و...

چین: کمونیستی/کاپیتالیستی



ایزم ها

فاشیزم

کمونیزم

لیبرالیزم

فدرالیزم

سکولریزم

دین/مذهب

و...

* دهها کشور «فدرال» وجود دارد که «دموکراتیک» نیستند (مانند روسیه، پاکستان وغیره)!

* دهها کشور «غیرفدرال» وجود دارد که «دموکراتیک» اند (مانند برتانیه و هالند وغیره)!

نظام ها: امپراتوری، شاهی، جمهوری، فدرالی، صدارتی، پارلمانی و...

طرح اکونومیست: دموکراسی کامل، دموکراسی ناقص، رژیم دوگانه، رژیم اقتدارگرا

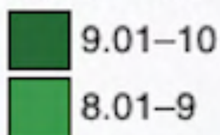
The Economist | Intelligence Unit

معیارهای ارزیابی

* انتخابات/کثرتگرایی *
* کارکرد حکومت *
* مشارکت سیاسی *
* فرهنگ سیاسی *
* آزادی های مدنی *

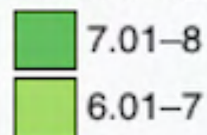
The Economist Intelligence Unit Democracy Index map for 2018

Full democracies



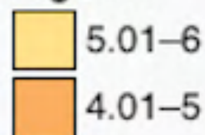
9.01–10
8.01–9

Flawed democracies



7.01–8
6.01–7

Hybrid regimes



5.01–6
4.01–5

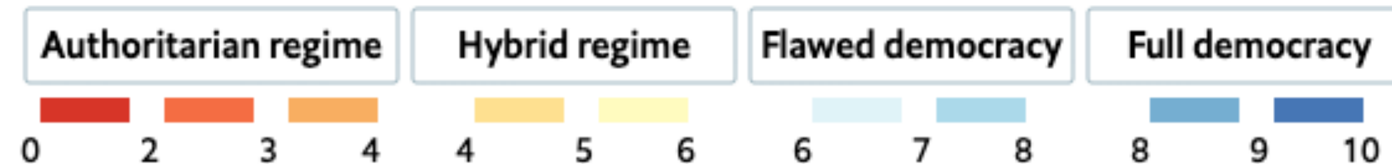
Authoritarian regimes

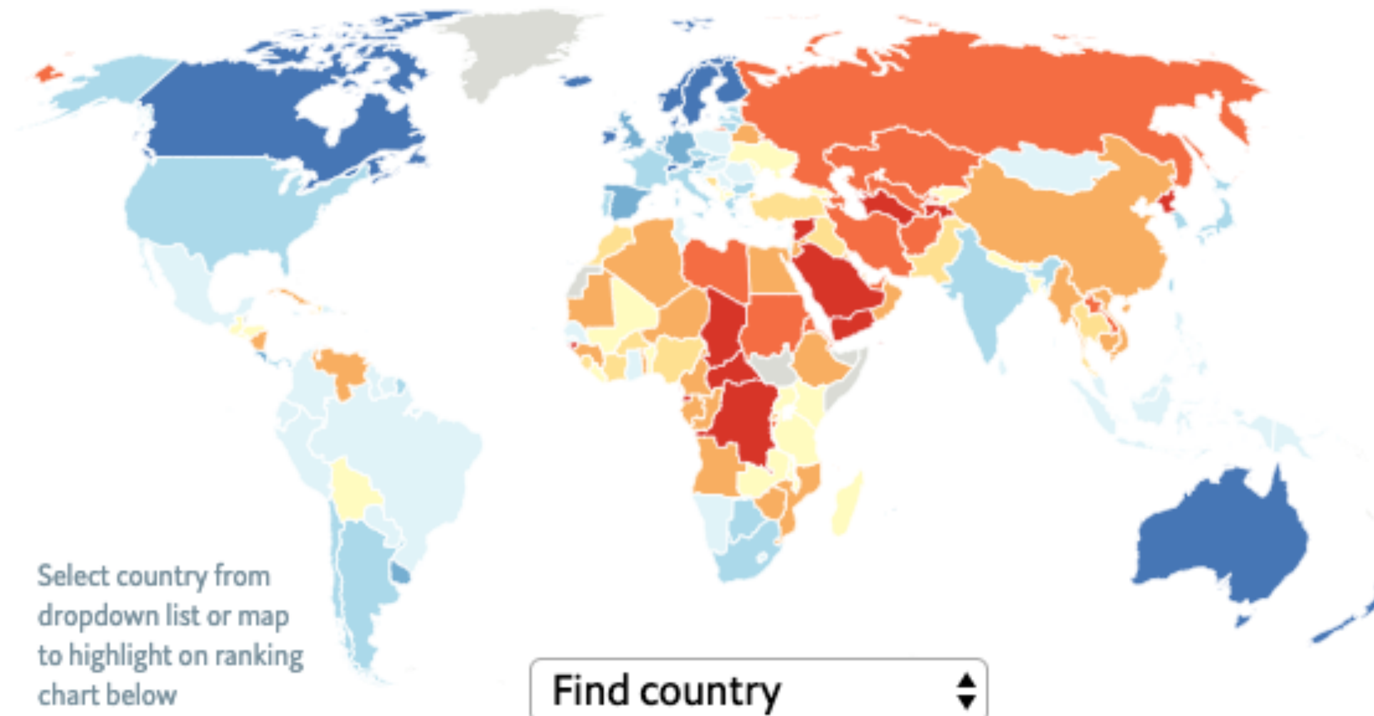


3.01–4
2.01–3
0–2

Type of regime	Score (s)	Number of countries	Percentage of countries	Percentage of world population
Full democracies	$8 < s$	20	12.0	4.5
Flawed democracies	$6 < s \leq 8$	55	32.9	43.2
Hybrid regimes	$4 < s \leq 6$	39	23.4	16.7
Authoritarian regimes	$s \leq 4$	53	31.7	35.6

طرح اکونومیست: دموکراسی کامل، دموکراسی ناقص، رژیم دوگانه، رژیم اقتدارگرا





The Economist | Intelligence Unit

معیارهای ارزیابی

* انتخابات/کثرتگرایی
* کارکرد حکومت
* مشارکت سیاسی
* فرهنگ سیاسی
* آزادی های مدنی

https://www.economist.com/graphic-detail/2019/01/08/the-retreat-of-global-democracy-stopped-in-2018

«ساختار دولت» و «نوع حکومت»
(جنگ بر سر نام ها یا واژه ها)

* واژه های «**فدرال**»، «**غیرمتمرکز**» و «**توزیع قدرت**» مترادف بوده؛ در مقابل واژه های «**ریاستی**»، «**متمرکز**» و «**تمرکز قدرت**» مطرح شده و نشان دهنده «ساختار دولت» اند؛ اما ساختارهای «**ترکیبی** و **مخلوط**» اکثرا گمراه کننده بوده و ارزیابی «**عادلانه/دموکراتیک**» بودن آنها را مشکل می سازد:

* **فرانسه:** نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی؛

* **امریکا:** فدرالی - ریاستی؛

* **بلجیم:** فدرالی - شاهی؛

* **برتانیه:** شاهی متمرکز (اما «توزیع فوق العاده قدرت» در پادشاهی متحده)؛

* واژه های «**صدارتی**» و «**پارلمانی**» نشان دهنده «نوع حکومت» اند؛

آنچه در ارزیابی نظام ها اهمیت دارد، «ماهیت» آنهاست، نه «نام یا ساختار ظاهری/رسمی» آنها!

سیر تاریخی «مفاهیم» و «واژه ها»

* در طول تاریخ سخن بر سر «**حاکمان عادل**» و چگونگی «**عملکرد**» آنها بوده است (**حاکمان مادام العمر**)؛

* **حاکمان** (شاه/سلطان/امیر) در راس همه چیز قرار داشتند و **دو لب آنها قانون** بوده است!

* **«ساختار نظام»، «تفکیک قوا»، «قانون اساسی»، «پارلمان»، «حقوق شهروندی»، «انتخابات»، «پاسخگویی»، «احزاب»، «قوانین عادلانه»، «زمان معین برای زمامدار»** وغیره مفاهیم جدیدی اند که در محتوای مفاهیم «**دولت ـ ملت**» یا «**دولت ملی**» در دو سده اخیر بوجود آمده و به مثابه «**معیار/ارزش های دموکراتیک**» یا «**عادلانه بودن**» نظام ها شناخته شده اند!

* این «**ارزش ها**» به ویژه پس از «**جنگ جهانی دوم**» به «**معیارهای**» قانونی و جهانی در سطح کشور های اروپا و امریکا تبدیل شدند (به گونه مثال):

* امریکا در ۱۷۹۱ «فدرال» شد، اما تا ۶۰ سال پیش در آنجا حقوق «سگ و سیاه» یکسان بود؛

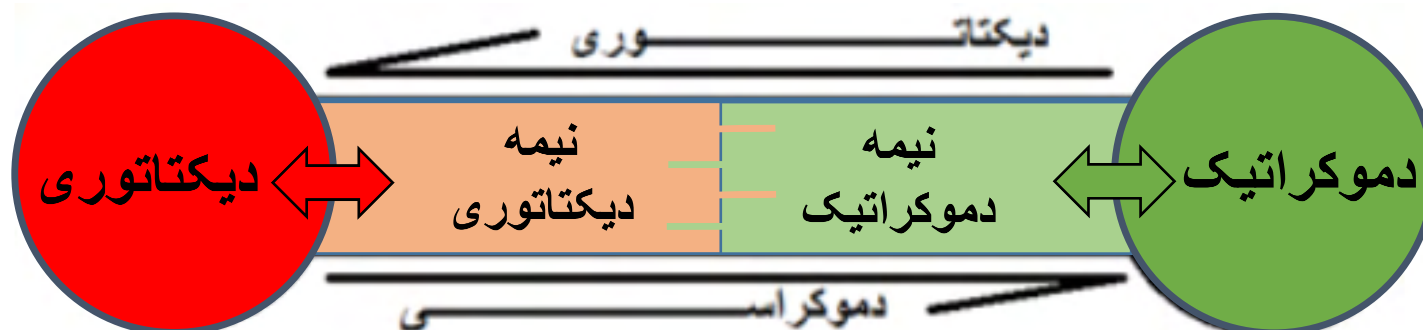
* سویس در ۱۸۴۸ «فدرال» شد، اما زنان سویس تا ۱۹۷۱ حق شرکت در انتخابات نداشتند؛

آنچه در ارزیابی نظام ها اهمیت دارد، تعیین «معیارهای اساسی» برای شناخت «ماهیت» آنهاست!

پیشنهاد من: معیارهای اساسی برای ارزیابی نظام ها

طرح اکونومیست
The Economist Intelligence Unit
معیارهای ارزیابی
* انتخابات/کثرتگرایی
* کارکرد حکومت
* مشارکت سیاسی
* فرهنگ سیاسی
* آزادی های مدنی

تقسیم نظام ها (بر بنیاد ماهیت یا ارزش آنها)	
دموکراتیک (تفاهم/توافق)	دیکتاتوری (زور/تحمیل)
ساختار غیرمتمرکز (توزیع قدرت)	ساختار متمرکز (تمرکز قدرت)
قوانین عادلانه (لغو تبعیض/امتیاز)	قوانین غیرعادلانه (تبعیض/امتیاز)
رهبران انتخابی و پاسخگو	رهبران غصبی/نصبی/ارثی
حاکمیت قوانین عادلانه	حاکمیت رهبران (قوانین غیرعادلانه)



تخمین کشور ها در ۲۰۱۸	(۲۰)	(۵۵)	(۳۹)	(۵۳)	ارزیابی اکونومیست

عادلانه (شهروندان) ⟵ مبارزه بی پایان ⟶ (زورمندان) استبداد

رویکرد های موجود دولت/ملت سازی در کشور (« بهسازی معیارها»)

* تبار/قوم - محور: بر بنیاد یک قوم توسط «زور و غلبه» (برنامه «**سقاوی دوم**» یا تفکر «**حلیم تنویر**»)؛

* ایدیولوژیک/آرمان - محور: راست (اخوت/امارت اسلامی) و چپ (انترناسیونالیزم/دیکتاتوری پرولتری)؛



* دموکراتیک/شهروند-محور (ارزش های عدالت – محور بر بنیاد شهروندان آگاه/فعال):

- رهبران انتخابی و پاسخگو (تطبیق کننده قانون)؛
- قوانین عادلانه (حقوق شهروندی، لغو هرگونه تبعیض/امتیاز)؛
- ساختار قدرت (غیرمتمرکز/فدرال، نهاد های مستقل/متوازن)؛

* حاکمیت قوانین عادلانه (عدالت یعنی «تطبیق قانون»)؛

ماهیت نظام ها (حاکمیت قوانین عادلانه) = رهبران/مقام ها + قوانین/مناسبات + ساختار/نهاد ها

مشکلات برخی از اجزای معیار/محک های دموکراتیک/عادلانه
(دموکراسی نظام عادلانه نیست، اما گزینه بهتر از آن وجود ندارد)

*** انتخابات و همه پرسی:**

پیروزی افراد «شیاد، مردم فریب و عوام گرا» در «انتخابات» ها (مانند هتلر، ترامپ، اردوغان، ، مودی، جانسون وغیره در پیشرفته ترین کشورها که گاهی «دیکتاتوری اکثریت» خوانده می شود: پیروزی ۵۰.۱ بر ۴۹.۹)، ماهیت دموکراتیک بودن و عادلانه بودن «انتخابات» و «همه پرسی» ها (مانند بریگزیت) را زیر سوال برده است (چون رای «اکثریت» در بسا موارد نمی تواند نشانه «حقانیت»، معیار «حقیقت» یا محک «عدالت» باشد)!



* اما تا کنون گزینه بهتر از آن پیدا نشده است...

تمام تلاش ها بر آن است که وسایل، تدابیر و سنجه های ممکن برای بهتر/دقیق/شفاف سازی معیارها (و اجزای آنها) دریافت و عملی گردد

نتیجـــــــــــــــه گیری

(نسخهِ نهایی)



* در زندگی واقعی،

هیچ شاه کلیدی برای تمام قفل های جهان،

هیچ شاه نسخه ی برای تمام درد های جهان،

هیچ شاه راهی برای حل تمام مشکلات جهان،

وجود ندارد...

* اما برای آدم های بزرگ،

هیچ بن بستی وجود ندارد،

زیرا راهی پیدا می کنند

و یا راهی می سازند!

نقش دولت در بدن، مثل سَر است

گزینه اول، «درمان مرض»: «یکجایی عادلانه»

(بن بست دولت یا بحران کشور)

- «**عزل دولت موجود**» (فشار یا هر وسیله ممکن) و «**ایجاد اداره/رهبران جدید**» **(سرپرست/موقت)**:
  - عادی سازی «**روابط با همسایگان**» (به منظور کاهش/پایان جنگ)؛
  - اصلاح «**قانون اساسی (عادلانه)**» (توزیع قدرت و لغو هرگونه تبعیض/امتیاز)؛
  - ایجاد «**کمیسیون های مورد اعتماد/پذیرش**» و تامین «**شرایط انتخابات**»:
    - * توزیع تذکره الکترونیک؛
    - * تعیین حوزه ها و مراکز؛
    - * فهرست رای دهندگان؛
  - برگزاری «**انتخابات دموکراتیک**» (رئیس جمهور/صدراعظم، پارلمانی، ولایتی و...)؛
  - ایجاد «**دولت قانونی/مشروع**» و ادامه پروسه «**دولت/ملت سازی دموکراتیک**»...

ماهی از سَر گنده گردد، نی ز دُم

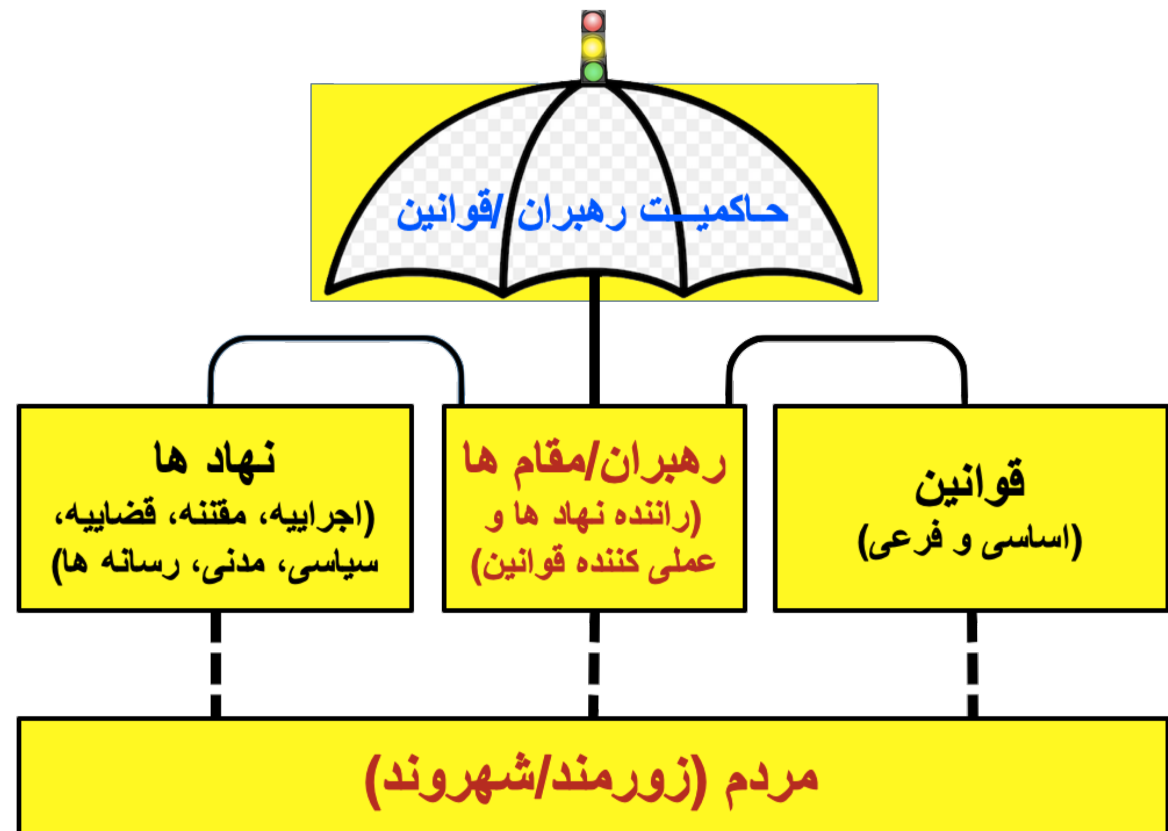
ماهیت نظام ها (حاکمیت قوانین عادلانه) = رهبران/مقام ها + قوانین/مناسبات + ساختار/نهاد ها

نوح هراری (۲۱ درس برای قرن ۲۱)

دنیا ممکن است مملو از «**دولت های ورشکسته**» شود، اما برای «**دولت های موفق**» فقط یک الگو را می شناسد...

تمام «**دولت های موفق**» مثل هم اند، اما هر «**دولت ناموفقی**» با از دست دادن این یا آن قلم در مجموعه «**ملزومات سیاسی مسلط**»، به شیوه خودش شکست می خورد!





گزینه دوم، «قطع عضو»: «جدایی دوستانه»

اگر نمی توان «هموطن خوب» بود، آیا می توان «همسایه خوب» بود؟

اگر «یکجایی عادلانه» ممکن نباشد،

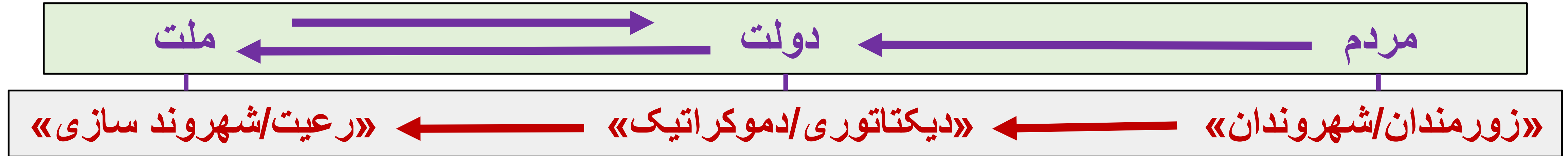
گزینه نهایی، «جدایی دوستانه» است!

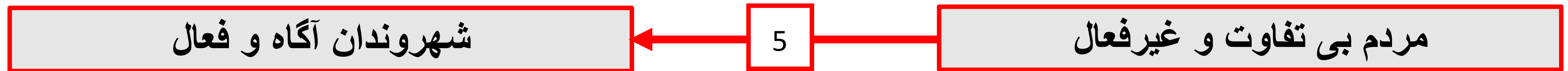
زیرا اگر زخم های آلوده «درمان» نشوند،

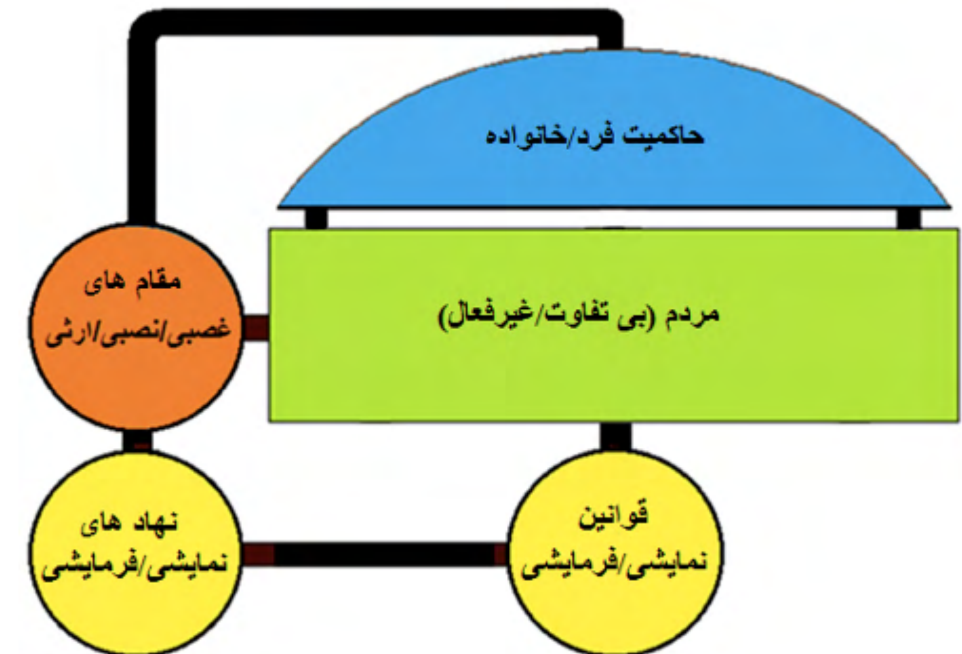
منجر به «قطع عضو» و یا «مرگ» می شوند...

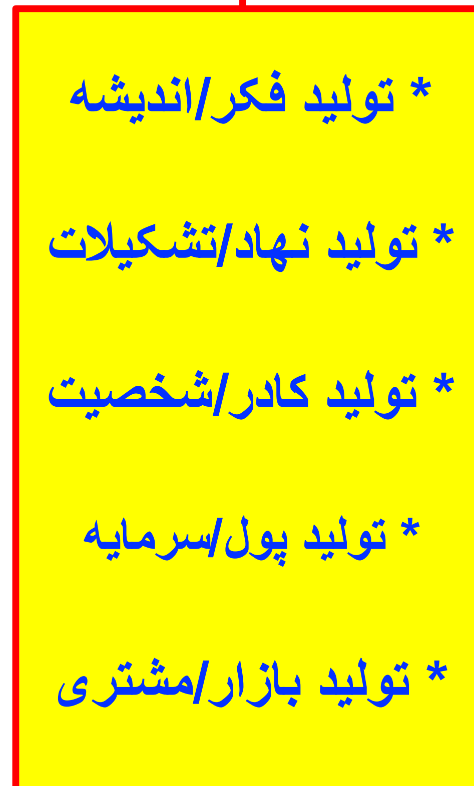
«طلاق دوستانه» بهتر از «زناشویی جابرانه»!

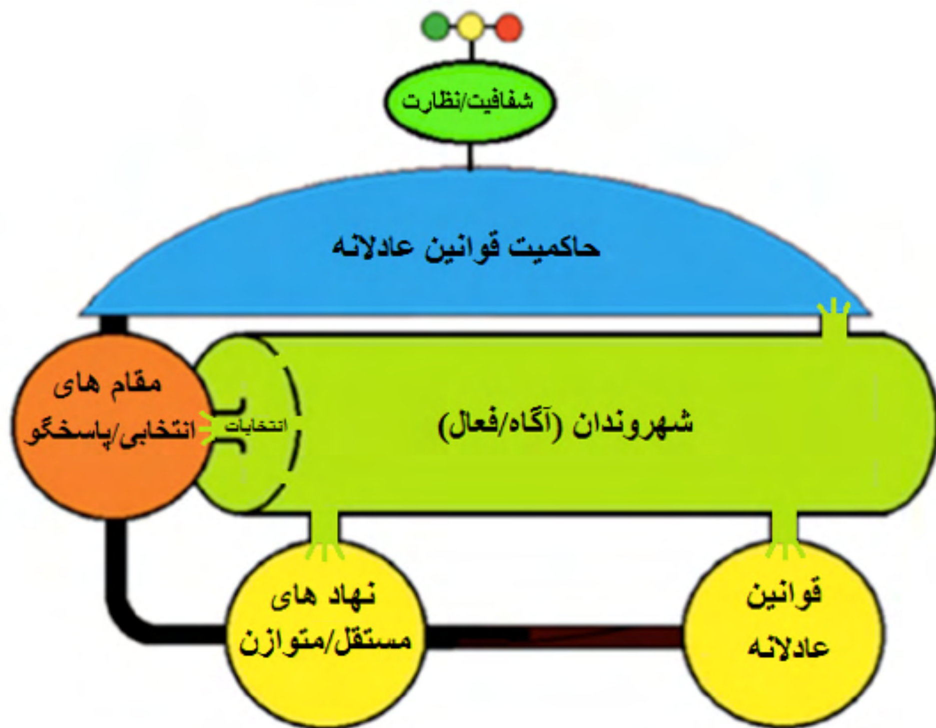
چه باید (می توان) کرد؟







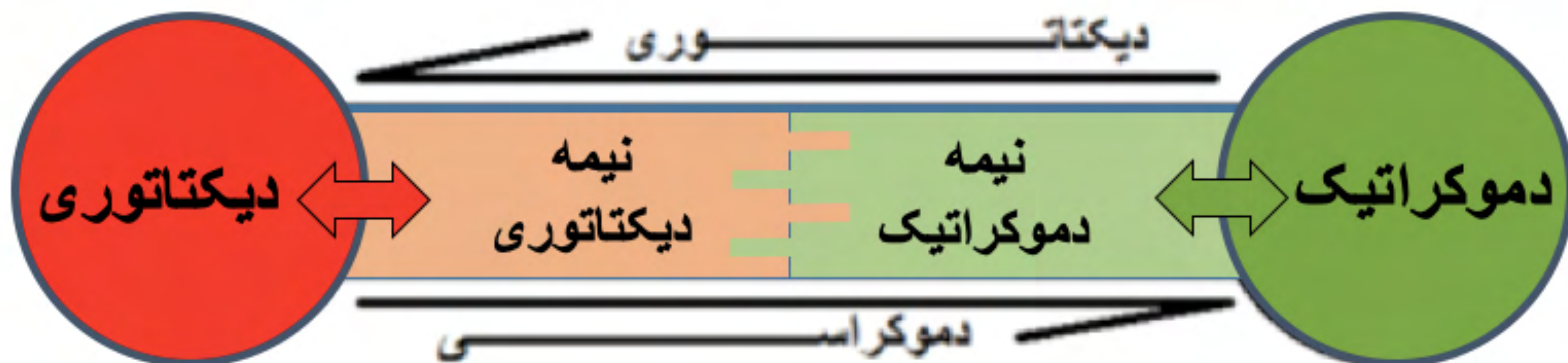




ساختار جوامع غیردموکراتیک (استبدادی)

ساختار جوامع دموکراتیک (عادلانه)

پیـــــــــــــروز باشـــــــــــید



سرچشمه ها

Daud Hassan. The Rise of the Territorial State and the Treaty of Westfalia. 2006.

https://opus.lib.uts.edu.au/bitstream/10453/3289/1/2006006060.pdf

ابوریحان بیرونی. آثارالباقیه. تهران. ۱۳۸۶

لعل زاد. بحثی پیرامون راههای ایجاد وحدت ملی در کشور. اگست ۲۰۰۶

http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=292

لعل زاد. هویت، ملت و ناسیونالیزم در عصر حاضر. دسمبر ۲۰۰۶
http://archive.goftaman.com/daten/fa/articles/part5/article696.htm

لعل زاد. متن کنفرانس «چگونگی ایجاد کشوری بنام افغان ستان». ۲۰۰۸

http://www.khorasanzameen.net/archive/history/alalzad04.pdf

جریان کنفرانس در یوتیوب:

https://www.youtube.com/watch?v=kMSyeEYCMws

لعل زاد. معیار های دموکراتیک بودن نظام های سیاسی. ۲۰۱۶

http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzad21.pdf

لعل زاد. ردیابی فرگشت یا تحول انسان و مهاجرت او با دی ان ای. دسمبر ۲۰۱۶

http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzad24.pdf

لعل زاد. وضع موجود و راههای حل آن. جولای ۲۰۱۷

http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzad31.pdf

جریان کنفرانس در یوتیوب

https://www.youtube.com/watch?v=mW-hMih66Bg&t=253s

لعل زاد. متن گفتگو با ویلیام موریس گرداننده شبکه بین المللی ای ان ان. ۲۰۱۷

http://www.goftaman.com/images/pdf-files-part1/lalzad-04-06-2017.pdf

جریان گفتگو در یوتیوب:

https://www.youtube.com/watch?v=5d56mGbknJg

اپارسین. تولد دوباره هویت و اقتدار تاجیکان. کابل. ۲۰۱۹

لعل زاد. پرگار: ریشه‌های افغانستان در تاریخ. فبروری ۲۰۱۹

https://www.youtube.com/watch?v=RGhnySbn3X0&fbclid=IwAR0tXyXoS6nEfe8tzxnYuTpzE8cJsR4AbokheIDOhBRSVE02Yr2M-CMklKY

Democracy Index. 2019. https://en.wikipedia.org/wiki/Democracy_Index